

«کتاب فرهنگ» سه‌شنبه‌های رادیو فرهنگ مدتی است با طعم لبخند و اندیشه پخش می‌شود؛ جایی که طنز نه فقط برای خنداندن، بلکه به عنوان زبانی برای تفکر و گفت‌وگوی فرهنگی به کار گرفته می‌شود. در هفته کتاب و کتابخوانی، کتاب فرهنگ سه‌شنبه با اجرای زنده و تصویری، بخش‌های نمایشی و گفت‌وگوهای ادبی، به استودیوی خنده و خرد

کتاب فرهنگ کتابخوانی با چاشنی طنز

در رادیو فرهنگ تبدیل می‌شود. فاطمه ترسا، نویسنده و تهیه‌کننده این برنامه، تأکید کرد: در رسالت آموزشی رسانه، باید زبان مخاطب رایافت و طنز همان زبانی است که مرز میان شنیدن و اندیشیدن را از میان برمی‌دارد و با طنز می‌شود مردم را به فکر فرو برد بی‌آن‌که خسته‌شان کرد. به گفته ترسا، در برنامه دیروز از شنندگان خواسته شد تا مصرعی از



از نظر معنا و دستور زبان ناتمام است. این موارد از بدیهی‌ترین نکات آشنایی با معارف محسوب می‌شوند.

مدرس در ادامه به دشواری‌هایی که در زمان ورودش به رادیو با آن مواجه بوده اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: به یاد دارم زمانی که در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ وارد حوزه اجرا شدم، آزمون‌هایی که پشت‌سر گذاشتم، بسیار سخت و دقیق بود؛ به‌گونه‌ای که اگر برای مخاطبان امروز تعریف کنم، شاید شگفت‌زده شوند. یکی از

آزمون‌ها، خوانش یک صفحه از حکایات گلستان سعدی بود. من باید آن را با لحن‌های متفاوت - غمگین، شاد، با ریتم بالا یا پایین - می‌خواندم. افزون بر آن، متون عادی نیز وجود داشت که باید با رعایت بیان، وزن و لحن مناسب اجرا می‌شد. موارد زیاد دیگری هم بود. در دوران آموزش اجرا، من باید بارها تمرین می‌کردم تا بتوانم فاصله‌گذاری‌ها را درست رعایت کنم و هر بار متن را با لحنی متفاوت بخوانم اما پرسش دیگری این است که مجری چقدر می‌تواند صرف‌نظر از رسانه، خود مستقل عمل کند و نظر دهد؟ مدرس در این خصوص هم می‌گوید: هر فرد، صرف‌نظر از کاری که انجام می‌دهد، نظر و شخصیت مستقل خود را دارد اما نکته مهم این است که در حوزه رسانه، این استقلال فکری و شخصیتی باید در چارچوب حرفه‌ای و تعریف‌شده بروز پیدا کند. برای مثال، دوست عزیز نجم‌الدین شریعتی، مجری برنامه‌های معارفی است و اگر توقع داشته باشیم نجم‌الدین شریعتی در فضای عمومی- مثلاً در صف‌ناوایی-نیز دقیقاً همان شخصیت رسمی-معارفی برنامه‌های تلویزیونی‌اش باشد، این انتظار نادرست است. هر فرد، شخصیتی منحصربه‌فرد دارد و باید آن را حفظ کند و در عین حال،‌شان‌واعتبار حرفه‌ای خود را نیز پاس بدارد که فقط در تعامل نیکو با مردم و رعایت ادب و انصاف در جامعه به دست می‌آید. هر محیط، چارچوب خود را دارد. حتی اگر در ناوایی مشغول کار باشید، آنجا هم قواعد و اصول خاص خود را دارد و همه باید آن را رعایت کنند.

در رادیو و تلویزیون نیز همین‌گونه است. بایان حال، نباید انتظار داشت فردی که گوینده خبر است، در اجتماع نیز دقیقاً همان‌گونه رفتار کند که پشت میز خبر ظاهر می‌شود. البته تأکید می‌کنم که این مسأله هیچ منافاتی با صداقت و یک‌رویی ندارد. منظور من همان شخصیتی است که در زندگی واقعی، با همان اصالت و منش به تلویزیون می‌آید و در قالب حرفه‌ای خود ظاهر می‌شود.

وحشی بافقی را با ذوق خود ادامه دهند و به شکلی طنزآمیز کامل کنند. او می‌گوید: این‌گونه تعامل‌ها باعث می‌شود شعر مردمی‌تر شود. مادوست داریم شنوندگان فقط مصرف‌کننده محتوا نباشند، بلکه در خلق آن هم شریک شوند. پیام‌های زیادی دریافت می‌کنیم که شنوندگان از لحظه مشارکت در بخش «مصرع‌سازی» لذت می‌برند.



یادداشت

راحله‌امینیان| مجری تلویزیون

استانداردها در اجرای تلویزیونی

تمام رسانه‌های معتبر بین‌المللی، قوانین سختگیرانه‌ای برای مجریان و کارکنان خود دارند



دلیل این سختگیری روشن است: رسانه به مجری یا گوینده خود یادآوری می‌کند که «برند ما بر چهره تو نقش بسته است»، بنابراین باید از این برند صیانت شود. در چنین نظامی، رعایت قوانین و حمایت متقابل از نیروهای حرفه‌ای، دو وجه جدانشدنی از یک اصل واحد به‌شمار می‌آیند.

حال این بحث را به جامعه و رسانه خودمان و به‌ویژه تلویزیون کشور تعمیم دهیم. من، به‌عنوان فردی که بیش از ۳۰ سال است در این عرصه فعالیت می‌کنم و عمدتاً اجرای برنامه‌هایی با محور مسائل اجتماعی و خانواده را برعهده داشته‌ام، موظفم مطابق با آنچه استادانم در سال‌های نخست ورود به این حرفه به من آموختند، خود را در همان چارچوب‌ها و در محدوده بایدها و نبایدهای حرفه‌ای قرار دهم. شاید در مواردی دیدگاه شخصی‌ام با سیاست‌های کلی یا محتوای برنامه همسو نباشد. در چنین شرایطی بهترین تصمیم این است که صادقانه اعلام کنم تمایلی به اجرای آن برنامه ندارم، تا مبدا نظر و سلیقه شخصی‌ام را در برنامه‌ای که متعلق به رسانه است، اعمال کنم. از نگاه من، اگر قرار است کاری انجام دهم، باید براساس اصول و قواعد رسانه‌ای باشد. در غیر این صورت، بهتر است اصلاً وارد آن پروژه نشوم.

البته راه‌گفت‌وگو همیشه باز است. اگر نظر متفاوتی دارم، می‌توانم با تهیه‌کننده یا مدیر گروه وارد مذاکره شوم و با استدلال و اقناع، دیدگاه خود را مطرح کنم اما اجرای یکجانبه و خارج از اصول، به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست. یکی از چالش‌های جدی در رسانه ما این است که مجموعه‌ای از قوانین نانوشته وجود دارد که به مجریان و عوامل منتقل نمی‌شود؛ قوانینی که گرچه اعمال می‌شوند اما هیچ‌گاه به‌صورت رسمی مکتوب نشده‌اند. من معتقدم باید تیمی از افراد کارآزموده، آشنا به حرفه اجرا، و دارای دانش، تجربه و درک عملی از این حوزه گرد هم آیند تا این ضوابط را به‌صورت مکتوب و شفاف تدوین کنند. نباید اجازه دهیم نظام رسانه‌ای ما بر پایه برداشت‌های سلیقه‌ای و قوانین نانوشته پیش برود. قانون باید روشن، منسجم و در دسترس همه باشد تا هم حقوق رسانه حفظ شود و هم شأن حرفه‌ای مجریان و برنامه‌سازان.

یکی از مشکلات اساسی در رسانه‌های ما، به‌ویژه در حوزه اجرا، نبود قوانین مکتوب و اطلاع‌رسانی دقیق به مجریان است. بسیاری از مجریان، به‌ویژه نسل جوان‌تر، از بایدها و نبایدهای حرفه خود آگاه نیستند. قوانین، اگر هم وجود داشته باشند، یا به آنها اعلام نمی‌شود یا در قالب آموزش‌های سطحی و تکراری مطرح می‌شود که عملاً فایده‌ای ندارد.

از سوی دیگر، برخی مجریان جوان در بلا تکلیفی به‌سر می‌برند و بایدها و نبایدها را نمی‌دانند. برخی قوانین باید مکتوب شود تا وضعیت روشن‌تر شود. ضروری است که مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌های مکتوب تدوین شود؛ قوانینی که شامل بایدها، نبایدها، خط قرمزها، کدهای رفتاری و حتی کدهای پوششی برای مجریان باشد. اکنون، متأسفانه در حوزه پوشش-چه در میان آقایان و چه بانوان- با مشکلات جدی مواجه هستیم. نبود چارچوب مشخص موجب شده هر فرد براساس سلیقه شخصی عمل کند و در نتیجه، یکدستی و هویت بصری رسانه آسیب ببیند.

این قوانین باید به‌صورت رسمی به اطلاع تمامی مجریان و عوامل رسانه برسد. پس از آن نیز، مانند تمام نظام‌های حرفه‌ای دنیا، تخلف از قوانین باید پیامد و مجازات مشخصی داشته باشد. تنها در این صورت است که نظم و انضباط حرفه‌ای در رسانه شکل می‌گیرد و شان اجرا و گویندگی حفظ می‌شود.

بود به‌طور منطقی و صحیح استدلال کند. او درک خواهد کرد که

چگونه تضادها و تفاوت‌ها را بفهمد، چگونه نقض‌ها را شناسایی و چطور مقدمه چینی کند. در اصطلاح اهل منطق، او می‌داند که صغری و کبری مطالب چیست و چگونه باید استدلال‌های منطقی را سامان دهد. زمانی که کسی صاحب علم و تحلیل منطقی باشد، نیازی به پررویی یا مچ‌گیری نخواهد داشت. استدلال‌های منطقی به خوبی قادرند بحث را پیش ببرند، طرف‌مقابل را به چالش بکشند و در عین حال آرامش را حفظ کنند و قضاوت نهایی را به عهده مخاطب بگذارند. در این صورت، مجری یا گوینده خود را در مقام قاضی قرار نمی‌دهد بلکه فضایی را فراهم می‌کند تا مخاطب بتواند براساس استدلال‌ها و شواهد موجود قضاوت کند. وی همچنین درباره برخی برنامه‌هایی که برای وایرال شدن دست به هر کاری می‌زنند، بیان می‌کند: همه ما می‌دانیم که گروهی از افراد به دلیل عطش شدید برای دیده شدن، به هر طریقی تلاش می‌کنند توجه دیگران را جلب کنند. آنها ممکن است بخواهند صفحات‌شان بازدید بالایی داشته باشد، محتوای‌شان وایرال شود یا تعداد فالوئرهای‌شان افزایش یابد. نمی‌خواهم بگویم این کار خوب است یا بد. این روش انتخابی برخی افراد است. تحلیل من این است که اگر کسی اهل مطالعه باشد و اصولی را که به آنها اشاره کرده‌ام در خود پرورش دهد، نتیجه‌اش تغییر نگرش و جهان‌بینی او خواهد بود. در چنین شرایطی، اولین فایده‌ای که حاصل می‌شود این است که نگرش فرد نسبت به دنیا و کارهایی که انجام می‌دهد تغییر می‌کند. وقتی نگرش فرد تغییر کند، این تغییر در هر کاری که انجام می‌دهد نمود پیدا می‌کند. آن وقت جهان‌بینی نوین و تازه‌ای که به دست آورده، به‌طور طبیعی در رفتار و گفتار او منعکس خواهد شد. در این صورت نیازی به انجام نمایش‌ها و ترفند‌های سطحی نیست. فردی که حرف حسابی برای گفتن دارد، همیشه شنونده و مخاطب خواهد داشت. او دیگر نیازی ندارد با شامورتی بازی خود را در معرض دید قرار دهد تا حرفش شنیده شود.

مجریانی که شرافت اجرا داشتند

این مجری با سابقه به اساتید خود در سال‌های دور اشاره می‌کند و می‌گوید: من اساتیدی چون مرحوم کمال‌الحق سلامی، اسماعیل میرفخرایی و دیگران را داشتم که سال‌ها در عرصه اجرا فعالیت می‌کردند. ملاک و معیار ما آنها بودند. وقتی این مقایسه را انجام می‌دهیم، درمی‌یابیم که تفاوت‌ها از کج‌تاب به کجاست. این اساتید در حوزه گویندگی و اجرا هرگز در جست‌وجوی کلمات اضافی و بی‌مورد نبودند. آنها از گفتار بی‌ارزش یا استفاده نادرست از واژگان پرهیز می‌کردند. سخنان‌شان همیشه شسته و رفته، معنادار و سرشار از مفهوم بود و از بهترین واژگان برای انتقال دقیق مفاهیم استفاده می‌کردند. آنها شرافت اجرا را رعایت می‌کردند. منظور از شرافت اجرا، تنها به شخصیت والای آنها محدود نمی‌شد، بلکه دانش عمیق و احترامی‌را که برای مخاطب و مهمان قائل بودند نیز